

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۰۲

(صفحه ۹۱-۱۰۳)

## جایگاه زنان در معماری عصر گورکانیان هند

دکتر فریبا پات\* - مریم استاجی\*\*

### چکیده

دوره فرمانروایی سلاطین گورکانی (حک: ۹۳۲ تا ۱۱۱۸ق) از بابر تا اورنگ‌زیب یکی از شکوفاترین دوره‌های فرهنگی و هنری هند به لحاظ معماری محسوب می‌شود. در این دوره توجه به فعالیت‌های ساخت‌وساز مختص مردان نبود، بلکه زنان و شاهدخت‌های مغول نیز مشارکت داشتند و نقش فعالی در معماری ایفا می‌کردند. زنان خانواده‌های شاهی و غیر شاهی با وجود محدودیت‌های بسیار، موفق شدند با تکیه بر استعداد، ذکاوت و پشتکار سهم عمده‌ای در ساخت بناهای دینی و غیر دینی این دوره داشته باشند. در این مقاله به سهم زنان و میزان مشارکتشان در فعالیت‌های معماری پرداخته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** زنان درباری، معماری، گورکانیان هند، مسجد، مدرسه، باغ، کاروانسرا.

## مقدمه

سلاطین مغول هند یا گورکانیان از نوادگان تیمورند و ظهیرالدین محمد بابر، مؤسس این سلسله است. شش نفر نخست از ۱۷ سلطان این سلسله، یعنی بابر، همایون، اکبر، جهانگیر، شاه جهان و اورنگ‌زیب، به مغولان کبیر معروف‌اند که از سال ۹۳۲ تا ۱۱۱۸ ق در هند حکومت کردند. در این دوره زنان فارغ از جنسیتشان به معماری و فعالیت‌های ساخت‌وساز علاقه نشان دادند و آثار فراوانی را از خود برجای گذاشتند. این پژوهش بدین سؤالات پاسخ خواهد داد که آن زنان چه کسانی بودند؟ پایگاه اجتماعی آن‌ها چه بود و عمدتاً چه آثاری را خلق کردند و چرا؟

## پیشینه

در زبان فارسی جز مقالهٔ الله‌بخش راجپوت با عنوان «سهم شاهزاده‌خانم‌های مغول در معماری شبه‌قاره» که بسیار مختصر به این موضوع پرداخته، تحقیقات زیادی دربارهٔ نقش زنان در زمینهٔ معماری انجام پذیرفته است. پایان‌نامهٔ ثریا شریفی‌نژاد با عنوان «ویژگی‌های تاریخی، معماری و باستان‌شناختی باغ‌های ایران در عصر صفوی و مقایسهٔ تطبیقی آن‌ها با باغ‌های گورکانیان هند» ضمن بیان ویژگی باغ‌های ایرانی عصر صفوی و مقایسهٔ آن‌ها با باغ‌های گورکانی، اشارات کوتاهی هم به برخی از باغ‌ها و باغ‌مزارهایی که بی‌گمان مغولان هند آن‌ها را بنا کرده‌اند، کرده است. امیرحسین رضایی‌مزیانی در پایان‌نامه‌اش با عنوان «تاریخ هنر و معماری اسلامی در دورهٔ مغولان هند (گورکانیان)» به معماری این دوره به‌طور کلی پرداخته و اشاراتی کوتاه هم به برخی از بناهایی که زنان ساخته‌اند، کرده است. رخصا مسره نیز در کتابی با عنوان زنان دربار هند به فعالیت‌های فرهنگی زنان از جمله نقش آن‌ها در معماری اشاره کرده است که در این پژوهش از آن استفاده شد.

## فعالیت‌های معماری زنان در دورهٔ بابر

در دورهٔ فرمانروایی بابر (حک: ۹۳۲-۹۳۷ ق)، حکومت مغولان هند سلسله‌ای نوپا و تازه‌تأسیس بود و فرصت چندانی برای پرداختن به معماری نداشت؛ اما با این حال

ساخت بناهایی چون باغ از طرف اعضای خاندان سلطنتی مورد توجه قرار گرفت. شاهدخت‌ها و زنان مغول از آن جهت که بیشتر اوقات فراغت خود را در باغ‌ها سپری می‌کردند، به ساخت آن توجه نشان دادند. شهربانو بیگم، دختر میرزا ابوسعید، خاله بابر، در شهر کابل باغی موسوم به باغ «شهرآرا» ساخت که در قرن نوزدهم به باغ «علم گنج» مشهور شد (کارگر، ص ۵۱).

### فعالیت‌های معماری زنان در دوره همایون

پس از بابر فرزندش همایون به قدرت رسید. در دوره سلطنت وی دو تن از همسرانش به نام حمیده بانو بیگم ملقب به مریم‌مکانی و مشهور به حاجی بیگم (وفات: ۱۰۱۳ ق)، و بیکه بیگم به ساخت مقبره و مدرسه توجه کردند. فرایند ساخت مقابر در جهان اسلام این‌گونه بود که ابتدا قدیمی‌ترین آرامگاه‌ها بر فراز قبر اولیاء برپا شد و دیری نپایید که برای خاندان‌های حکومتگر نیز ساخته شد (اتینگ‌هاوزن، ص ۱۸).

حمیده بانو بیگم، همسر محبوب همایون، مقبره‌ای را در سال ۹۷۸ ق در شهر دهلی برای وی بنا کرد. حمیده اصالتاً ایرانی و از احفاد و نوادگان شیخ احمد جامی بود. همایون پس از آنکه در دوره اول حکومتش با شورش شیرشاه سوری، از امرای افغان، مواجه شد، به ایران نزد شاه طهماسب صفوی پناهنده شد. همراهی حمیده بانو بیگم با او موجبات آشنایی‌اش را با الگو و شیوه معماری مقابر ایرانی فراهم ساخت و موجب شد در ساخت مقبره همایون از آن الگوبرداری کند. حمیده بانو حتی مکان زندگی خود را به یک اردو در محل احداث بنا انتقال داد تا بتواند در کار بنا نظارت مستقیم داشته باشد. معماری که وی برای ساخت مقبره همسرش انتخاب کرد، «میرک میرزا غیاث» نام داشت که او نیز ایرانی بود و اولین گنبد سنتی ایرانی یعنی «گنبد دوپوشه یا دوپوسته»<sup>۱</sup> را در هندوستان تدارک دید (بداؤنی، ج ۲، ص ۹۰). ایجاد این مقبره نقطه عطفی در ساخت مقابر هند دوره گورکانی به‌شمار می‌رود؛ زیرا بلافاصله بعد از بنای این مقبره تاریخی، مغول‌ها تشویق شدند آثار تاریخی بیشتری را بنا کنند. این مقبره بعدها الگویی هم برای ساخت تاج‌محل شد و از این لحاظ اهمیت فراوانی یافت (سیف‌آزاد، ص ۲۷۸).

۱. گنبدی است با دو جداره داخلی و خارجی و بین دو جداره، فضایی خالی قرار دارد (بهرامپور، ص ۱۸).

بنای دیگری که حمیده بانو بیگم ساخت، مکانی موسوم به «عرب‌سرای» است که آن را متصل به مقبرهٔ همایون بنا کرد. وجه تسمیهٔ آن به عرب‌سرای این است که حمیده بانو هنگام بازگشت از سفر مکه، حدود ۳۰۰ نفر از اعراب را به همراه خود به هند آورد و مکانی برای اسکان آن‌ها بنا کرد (بل، ص ۲۰۸). علاوه بر این، وی باغ و خانه‌ای اشرافی نیز در جادهٔ آگره به بیانا<sup>۱</sup> ساخت (Misra, p.92). همسر دیگر همایون بیکه بیگم تنها مدرسه‌ای نزدیک آرامگاه همسرش ساخت.

### فعالیت‌های معماری زنان در دورهٔ اکبر

پس از همایون، فرزندش اکبر (حک: ۹۶۳-۱۰۱۴ق) به قدرت رسید. وی با وجود اینکه حتی سواد خواندن و نوشتن نداشت، از حامیان بزرگ دانشمندان و هنرمندان بود. مسجد، مدرسه و باغ از جمله بناهایی بود که برخی از زنان درباری در این دوره به ساخت آن اقدام کردند.

سلیمه سلطان بیگم باغی موسوم به «باغ مندها کرکه» بنا کرد و بعد از مرگش در آنجا دفن شد (خواجه کامگار حسینی، ص ۱۶۴). گاهی زنان تنها به تزئین باغ‌ها می‌پرداختند. جانان بیگم، دختر عبدالرحیم خان خانان، پس از ازدواج با یکی از پسران اکبر و راه یافتن به دربار دستور داد به افتخار پدرش، زمین چمن خشک و بی‌حاصل فتح باغ، باغ پیروزی پدرش، را در احمدآباد با مخمل سبزرنگ فرش کنند و درختان بی‌برگ باغ را با ابریشم سبز بیاریند (شیمل، ص ۲۱۰).

مشارکت در ساخت و ساز ابنیه در این دوره تنها مختص زنان درباری نبود. دایه‌های سلاطین مغول نیز در این امر شرکت داشتند. ماهم آنگه، دایهٔ اکبر، معروف‌ترین دایه در طی حکومت مغولان به واسطهٔ رابطهٔ رضاعی که با اکبر داشت به موقعیت و جایگاه مهمی در دربار رسید. در سال ۹۶۹ق دستور داد مسجدی برایش بسازند. این مسجد به همراه مدرسه‌ای که بانی اش خود ماهم آنگه بود، به «مسجد و مدرسهٔ خیرالمنازل» معروف است و در دهلی روبروی قلعهٔ پورانا واقع شده است (همو، ص ۱۸۱).

۱. بیانا نام شهری در هندوستان و مرکز رنگری است.

بر سردر این بنا کتیبه‌ای نقش بسته که تا امروز باقی است؛ با این مضمون:

به دوران جلال‌الدین محمد      که باشد اکبر شاهان عادل  
چو ماهم بیگم عصمت‌پناهی      بنا کرد این بنا بهر افاضل

(بل، ص ۱)

علاوه بر زنان و دایه‌هایی که در دربار بودند، برخی از زنان امرا نیز در فعالیت‌های معماری شرکت داشتند. بی‌بی کشنا همسر شیخ عبدالرحیم لکهنوی<sup>۱</sup> از امرای دوره اکبر از زنان بود که بعد از مرگ شوهرش باغی بنا کرد و آرامگاه همسرش را در آن قرار داد و در کنار آن چندین سرا و دکان بنا کرد و در هر کدام با غذا از مسافران پذیرایی می‌کرد. این زن حدود ۵۰ سال از ۱۰۱۵ تا ۱۰۶۰ ق با اجاره دکان‌ها و سراها، هزینه‌های باغ را تأمین می‌کرد (بهکری، ج ۱، ص ۲۳۸). در کنار بناهایی که در این دوره توسط زنان و با نظارت آن‌ها ساخته شد، بناهایی نیز وجود داشت که توسط خود پادشاهان اما برای استفاده زنان حرمسرا ساخته شد. یکی از این بناها موسوم به «پنج محل» در سال ۱۸۵۰ م به دست اکبر در فتح‌پور سیکری بنا گردید. این محل علاوه بر سکونت، محل تفریح زنان بود و بازی‌هایی چون شطرنج در آنجا برگزار می‌شد (Khan Bahadur, p.142).

### فعالیت‌های معماری زنان در دوره جهانگیر

جهانگیر فرزند اکبر (حک: ۱۰۳۷-۱۰۱۴ ق) از جمله سلاطین علاقه‌مند به هنر نقاشی بود. علاقه وی به نقاشی مانع از رشد و توسعه فعالیت‌های معماری در این دوره نشد. زنان حرم او از حامیان بزرگ پروژه‌های ساختمانی در این دوره به‌شمار می‌روند. «مان ماتی»، مادر راجپوتی جهانگیر که بعدها با عنوان مریم‌الزمانی شناخته شد، و نور جهان بیگم، همسر محبوب و ایرانی‌نژاد جهانگیر از جمله زنانی بودند که به ساخت مسجد، باغ، کاروانسرا و بائولی<sup>۲</sup> اقدام کردند. مان ماتی دختر یکی از راجه‌های هندو<sup>۳</sup> و مادر جهانگیر پس از ازدواج با اکبر تحت تأثیر دین اسلام قرار گرفت و دستور ساخت مسجدی را در سال

۱. وی از امرای دوره اکبر بود که رابطه بسیار نزدیکی با او داشت (بهکری، ج ۱، ص ۲۳۷).

۲. چاه یا چشمه پلکانی در زیر زمین. چاه پله‌های هندی (مُعَمَّر، ج ۴، ص ۴۶۱).

۳. در این دوره قوانین مذهبی، اجازه ازدواج مسلمان با زنان تحت‌الحمایه را می‌داد؛ از این‌رو اکبر با مان ماتی ازدواج کرد (کخ، ص ۱۳۵).

۱۰۲۰ق در لاهور داد. در این مسجد که به مسجد بیگم‌شاهی معروف است، الگوی معماری تیموری و صفوی به بهترین شکل و با تزئینات ظریف و دقیق دیده می‌شود (کخ، ص ۸۳). یکی دیگر از بناهای عمومی قابل توجه که مریم‌الزمانی در این دوره بنا کرد، باثولی است که آن را نزدیک عیدگاه<sup>۱</sup> در برهماباد<sup>۲</sup> ایجاد کرد. براساس کتیبهٔ مرمری بالای ورودی، تاریخ بنای آن در سال هفتم سلطنت جهانگیر (۱۶۱۲م) و همزمان با بنای مسجد بیگم‌شاهی در لاهور بوده است (همو، ص ۹۱).

نورجهان بیگم، همسر جهانگیر، دختر میرزا غیاث‌تهرانی، از رجال سیاسی دورهٔ شاه عباس صفوی بود که به دلایلی از ایران به هند مهاجرت کرد. میرزا غیاث بعد از ورود به هند به دربار اکبر راه یافت و در دورهٔ جهانگیر به مقام وزارت رسید و از طرف او به «اعتمادالدوله» ملقب گردید. نورجهان بیگم در دربار اکبر بزرگ شد و شاهزاده جهانگیر به او علاقه‌مند گردید و پس از اینکه به تخت سلطنت نشست، او را به ازدواج خود درآورد. نام اصلی نورجهان بیگم، «مه‌النساء» بود که پس از ازدواج با جهانگیر ابتدا به «نورمحل» و بعد از آن به «نورجهان» ملقب گردید و به چنان مقام و منزلتی رسید که زمام همهٔ امور، به‌ویژه امور سیاسی و کشورداری را به‌دست گرفت و بانوی افسانه‌ای دربار سلاطین مغول هند شد. نفوذ نورجهان بیگم در دربار به حدی بود که برای خود طغرایی درست کرد که روی آن این بیت حک شده بود:

نورجهان گشت به فضل‌الاه همدم و همراز جهانگیرشاه

(غلام حسن کهویهامی، ج ۲، ص ۴۶۶)

این زن در زمینهٔ معماری بسیار فعال بود. «مسجد سنگی» یکی از بناهای ساخته‌شده توسط اوست (کخ، ص ۸۳). برخی از منابع ساخت «سنگین مسجد» را به او نسبت داده‌اند (ظه‌وردین احمد، ج ۲، ص ۲۷۴) که به‌نظر می‌رسد همان «مسجد سنگی» باشد. نورجهان بیگم علاوه بر ساخت مسجد برای پدرش، اعتمادالدوله، و مادرش، عصمت بیگم، مقبره‌ای هم ساخت که بنای آن شش سال به طول انجامید. کتیبهٔ آن، که به قلم عبدالنبی قریشی است، تاریخ تکمیل بنا را در سال ۱۰۳۶-۱۰۳۷ق نشان می‌دهد.

۱. محلی در بیرون هریک از شهرهای اسلامی که مسلمانان در روز عید قربان در آنجا قربانی کنند (لغت‌نامهٔ دهخدا).

۲. یکی از شهرهای قدیم هندوستان.

این مقبره از سنگ مرمر سفید بر کرانه رودخانه جمنا و در میانه چهارباغی ساخته شده و به شیوهٔ پرچین‌کاری<sup>۱</sup> و با استفاده از بنمایه‌های ایرانی عصر صفوی مزین شده است (Asher, p.131). نورجهان بیگم به ساخت باغ نیز توجه نشان می‌داد. به نظر می‌رسد در این دوره به ساخت باغ، در مقایسه با سایر بناها، توجه بیشتری شده است؛ چنان‌که از ۳۳ باغی که در آگره وجود دارد، حدود یک‌سوم آن‌ها در دورهٔ سلطنت جهانگیر ساخته یا تغییر طرح داده شد، به‌عنوان مثال «رام باغ» در دورهٔ بابر و با همکاری وی ساخته شد؛ اما نورجهان بیگم در دورهٔ جهانگیر آن را بازسازی کرد و نامش را به «باغ نورافشان» تغییر داد (کخ، ص ۸۶-۸۸). باغ «آچابال» در شهر سری‌نگر از دیگر باغ‌های ساخته‌شده به دست نورجهان بیگم است (Fairchild, p.215). ساخت باغ «چاروگا» یا «چاروگا» در کشمیر نیز به وی نسبت داده شده است که اولی از انواع باغ‌مزار و دومی از نوع باغ‌های خصوصی است (شریفی‌نژاد، ص ۱۲۲). وی همچنین باغی معروف به «شاه دارا» در نزدیکی لاهور ساخت (Misra, p.112).

در سرزمین هند علاوه بر ساخت بناهای مذکور، ساخت و بازسازی بناهایی مانند رباط یا خانقاه، که درواقع به هدف عزلت و گوشه‌نشینی و ترک دنیا بود، طرفدارانی داشت. به همین دلیل نورجهان بیگم در سال ۱۰۲۸ق در پنجاب دستور ساخت کاروانسرای را داد که به «نورمحل» موسوم شد. وی همچنین دستور بازسازی خانقاه «جدی بل» را هم در کشمیر صادر کرد (ظهورالدین احمد، ج ۲، ص ۲۷۴). گفته شده او چندین بیمارستان را نیز بنا کرد (معمدخان، ص ۱۲۴).

### فعالیت‌های معماری زنان در دورهٔ شاه‌جهان

بعد از جهانگیر پسرش شاهزاده خرم‌ملقب به شاه‌جهان (حک: ۱۰۳۷-۱۰۶۸ق) به قدرت رسید. او از جمله سلاطینی بود که علاقهٔ زیادی به معماری داشت. دورهٔ حکومت وی را می‌توان عصر طلایی معماری مغول نامید. در این دوره در کنار شخص پادشاه و اعیان و اشراف، زنان خانوادهٔ شاهی نیز در فعالیت‌های معماری مشارکت داشتند.

۱. نوعی مَرصَع کاری که در آن قطعاتی از سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی با الگوهای خاصی برش می‌خورند و بر زمینه‌های مرمر سفید نشانداده می‌شوند (مُعَمَّر، ج ۴، ص ۴۶۶).

جهان‌آرا بیگم، روشن‌آرا بیگم و پورهنر بانو بیگم، دختران شاه‌جهان، در کنار ممتازمحل و قندهاری‌محل، همسران وی، حامیان معماری در این دوره بودند و به ساخت بناهایی چون مسجد، مقبره، باغ و کاروانسرا اقدام کردند. با توجه به بناهایی که جهان‌آرا، دختر بزرگ شاه‌جهان معروف به بیگم صاحب، ساخت، می‌توان از وی به‌عنوان فعال‌ترین زن در حوزهٔ معماری این دوره نام برد. وی در اشتیاق پدرش برای ساختمان‌سازی نقش فعال داشت و سنت حمایت زنان گورکانی از معماری را که مادر جهانگیر، مریم‌الزمانی، و همسر او، نورجهان بیگم، جزو پیشگامان آن بودند به اوج رساند. وی در شهر آگره چندین مسجد ساخت که مهم‌ترین آن‌ها به «جامع کبیر آگره» معروف است. جهان‌آرا بیگم، این جامع را نزدیک میدان بزرگی که شاه‌جهان برای برگزاری جشن‌ها و مراسم ساخته بود و به زبان هندی بدان «چوک» می‌گفتند، بنا کرد و هزینه‌های آن را شخصاً به‌عهده گرفت (عنایت‌خان، ص ۲۷۹). بعدها در کنار مسجد، مدرسه و حمامی نیز بنا کرد (حسنی، ص ۱۲۵). علاقهٔ فراوانش به باغ هم موجب شد باغ‌های صاحب‌آباد<sup>۱</sup> و سی‌هزاری را بنا کند<sup>۲</sup>. باغ جهان‌آرا<sup>۳</sup> امروزه به «زهرا باغ» مشهور است. منابع به علت این تغییر نام اشاره‌ای نکرده‌اند، جز اینکه این تغییر در قرن نوزدهم براساس آراء عمومی صورت گرفته است (کخ، ص ۱۱۷).

جهان‌آرا بعدها در سال ۱۰۶۱ق به دلیل علاقه‌اش به حوزهٔ عرفان و تصوف به کمک پدرش رباطی برای ملا شاه بدخشی، از عرفای معروف کشمیر، بنا کرد (رادفر، ص ۵۳) و

۱. زیباترین و هنری‌ترین باغ شاه‌جهان‌آباد است که به سال ۱۶۵۰م در شمال مهتاب چوک بنا گردید و مورد استفادهٔ زنان و کودکان خانوادهٔ سلطنتی قرار گرفت. این باغ مساحتی برابر با ۹۰ هکتار را پوشش می‌داد که کانال‌ها، آبشارها، چشمه‌ها، استخر آب، گل، درخت، کوشک مرکزی و نه‌ری برای تأمین آب را در بر می‌گرفت (Misra, p113)؛ برای اطلاعات بیشتر نک: جهانگیر، ص ۳۹۰؛ عبدالحمید لاهوری، ج ۲، ص ۲۷؛ شریفی‌نژاد، ص ۱۰۶.

۲. این باغ‌ها همواره محلی برای استراحت و شکار اعضای خاندان سلطنتی بود و اورنگ‌زیب، برادر جهان‌آرا، گاهی به آنجا می‌رفت (بختاورخان، ج ۱، ص ۱۸۲).

۳. این باغ در جنوب باغ نورافشان یا رام‌باغ است که اگرچه مقدار زیادی ویران شده، اما به اندازهٔ کافی آثاری از آن باقی مانده که نشان می‌دهد طرح این باغ شبیه به طرح باغ‌های کنار رودخانه در آگره است. تقریباً این بنا تنها طرح معماری شناخته‌شده‌ای است که با حمایت همسر شاه‌جهان، ممتازمحل، ساخته شد و پس از درگذشتش در سال ۱۶۳۱م، به دخترش، جهان‌آرا، تعلق گرفت و او آن را به‌گونه‌ای بازسازی کرد که به باشکوه‌ترین باغ آگره تبدیل شد (K. Jayyasi, p571).



عمارت دیگری متصل به آن برای فقرا و نیازمندان ساخت (خافی‌خان، ص ۷۰۶). مقبره‌ای هم برای شیخ نظام‌الدین اولیا ساخت که خود پس از مرگ در آن دفن شد (مستعدخان، ص ۲۱۳). وی همچنین در دهلی کاروانسرای ساخت که دارای باغی زیبا و آب‌انبار بود و در آن فقط افراد برجسته مغول و بازرگانان ایرانی اجازه اقامت داشتند (Misra, p.112). در لاهور هم بازاری ساخت که به «چوک‌سرای» معروف گردید. پورهنر بانو بیگم، یکی دیگر از دختران شاه جهان، هم مقبره‌ای توسط یک سنگ‌تراش و با نظارت مستقیم خود ساخت (Ibid, p.111). آرامگاه «گل‌ابی‌باغ» از دیگر مقابری بود که در این دوره توسط بانویی به اسم دای آگانا در لاهور ساخته شد (شریفی‌نژاد، ص ۱۴۴). روشن‌آرا بیگم، یکی دیگر از دختران شاه جهان، نیز در دهلی با کمک نامادری‌اش، سرهنده بیگم، باغی ایجاد کرد (راجپوت، ص ۴).

در کنار دختران شاه جهان، برخی از زنان او نیز در زمینه معماری مشارکت داشتند. یکی از این زنان، قندهاری‌محل، از زنان ایرانی مهاجر به هند بود. وی دختر مظفرحسین صفوی و نوه ارشد شاه اسماعیل، حاکم قندهار، بود که به دلیل حمله ازبک‌ها به خراسان و ترس از شکست در مقابل آن‌ها به همراه پدرش به هند رفت و بعدها به همسری شاه جهان درآمد و از این طریق به دربار راه یافت (Dadvar, p.398). وی در اکبرآباد باغی ساخت که به نام خودش باغ قندهاری نامیده شد (بل، ص ۲۴۰).

در دوره شاه جهان، همسر محبوب و ایرانی‌نژادش، ممتازمحل، دختر آصف‌خان، نوه اعتمادالدوله و برادرزاده نورجهان بیگم، هنگام مرگ از همسرش خواست اولاً بعد از او ازدواج نکند و دوم اینکه آرامگاهی برایش بسازد. شاه جهان هر دو خواسته ممتازمحل را اجابت کرد. وی در ساحل رودخانه جمنا، در شهر آگره، برای همسرش آرامگاهی ساخت که به تاج‌محل معروف شد. بعد از مرگ ممتازمحل، ابتدا پیکر او در برهان‌پور در باغ زین‌آباد (به رسم امانت دفن شد) (عبدالحمید لاهوری، ج ۱، ص ۳۸۶) و پس از یک سال به محل مقبره تاج‌محل انتقال داده شد. ساخت‌وساز عمارت تاج‌محل زیر نظر مکرمت‌خان و میر عبدالکریم، از ایرانیان دربار شاه جهان، ۱۲ سال به طول انجامید (همو، ج ۲، ص ۳۳۰). این بنا از سنگ مرمر قیمتی ساخته شده و روی کتیبه‌های رواق و حرم آن آیات قرآن مجید با خطی زیبا بر سنگ‌های سیاه گران‌بها نقش گردیده است (سیف‌آزاد، ص ۳۴۰). این بنا باغ‌مزاری

است با خاستگاه هند و ایرانی که به‌خاطر پنج گنبد روی بنا (چهار گنبد کوچک و گنبد اصلی) تجلی پنج الهه هندو، یعنی برهما، ویشنو، شیوا، سوریا و گانش است (شریفی‌نژاد، ص ۱۳۷). در ساخت این بنا از مقبره همایون، که متأثر از مقابر ایرانی بود، تقلید شد و از طرفی خود تاج‌محل منبع الهامی برای مقابر دوره‌های بعد شد؛ چنان‌که اورنگ‌زیب برای یکی از همسرانش، بی‌بی رابعه دورانی (دلرس بانو) در اورنگ‌آباد دکن مقبره‌ای ساخت که متأثر از تاج‌محل بود و به «تاج‌دکن» معروف شد (سبحانی، ص ۵۱۴).

### فعالیت‌های معماری زنان در دوره اورنگ‌زیب

بعد از شاه‌جهان، فرزندش اورنگ‌زیب به قدرت رسید. وی فردی متعصب و از لحاظ مذهبی سختگیر بود و به فعالیت‌های هنری توجه چندانی نداشت. بی‌توجهی اورنگ‌زیب به معماری، دلیلی بر عدم توجه زنان حرم به این هنر نشد و برخی از زنان و دختران وی در این دوره به ساخت مسجد، کاروانسرا و باغ اقدام کردند.

از زنان او، بی‌بی اکبرآبادی<sup>۱</sup> به ساخت باغ توجه کرد و به تقلید از باغ‌های کشمیر و لاهور باغی ساخت که به باغ شالیمار معروف شد و ظاهراً ساخت آن چهار سال به طول انجامید (Misra, p.113). البته این باغ نباید با باغی که شاه‌جهان با همین نام ساخته است اشتباه شود. راج‌محل بیگم، یکی دیگر از زنان اورنگ‌زیب نیز مسجدی به نام مسجد بیگم‌شاهی در وسط شهر گجرات بنا کرد (حاج‌سیدجوادی، ج ۱، ص ۴۱۶) و همان‌طور که گفته شد در دوره جهانگیر نیز مادر وی، مریم‌الزمانی، مسجدی با همین نام در لاهور ساخته بود.

از دختران اورنگ‌زیب، زینت‌النساء بیگم به معماری علاقه نشان داد. وی بانوی مسجدی در شاه‌جهان‌آباد است که به نام خودش زینت‌المساجد نام گرفته است (ملک‌الکتاب شیرازی، ص ۱۴۰). در نمای بیرونی این مسجد از سنگ استفاده شده است. آرامگاه زینت‌النساء درون همین مسجد به طرف شمال قرار دارد. مزار وی از سنگ مرمر ساخته شده و بر بالین آن با

---

۱. زنان در دوره سلاطین مغول هند همواره القابی داشتند که به‌صورت پسوند به نام آن‌ها افزوده می‌شد. پرکاربردترین عنوان یا لقب زنان در این دوره «بیگم» بود؛ ولی در دوره اورنگ‌زیب لقب بیگم به‌ندرت برای زنان پادشاه استفاده می‌شد؛ چراکه هر کدام از زنان وی به نام محله، ایالت یا شهری که به آن منصوب بودند خوانده می‌شدند؛ برای مثال بی‌بی اکبرآبادی یکی از زنان اورنگ‌زیب، اهل اکبرآباد بود (Misra, p60).

خط ثلث خوشنویسی شده است (سنگین‌بیگ، ص ۳۳). این مسجد علاوه بر کاربرد مذهبی، کاربرد ادبی نیز داشت؛ چراکه نقش مهمی در شکل‌گیری ادبیات اردو ایفا کرده و همواره محلی برای سکونت و گردهمایی شعرا بوده است. زینت‌النساء بیگم همچنین ۱۴ کاروانسرا برای استراحت مسافران ساخت (Misra, p.110-112).

### نتیجه‌گیری

گورکانیان از خاندان‌های مسلمان حاکم بر شبه‌قاره هند بودند که توانستند یکی از خلاق‌ترین و غنی‌ترین سبک‌های معماری را ایجاد کنند. در بستری که در این دوره برای فعالیت‌های معماری و ساخت‌وساز ابنیه فراهم شد، زنان و شاهدخت‌های مغول نیز در کنار سلاطین، مشارکت فعالی در این حوزه داشتند. بررسی سهم زنان نشان می‌دهد که آن‌ها در ساخت بناهای مذهبی مانند مسجد و مقبره و بناهای غیر مذهبی مانند مدرسه، باغ، کاروانسرا و... فعال بودند. مسجد، مقبره و باغ از جمله بناهایی بود که بیشتر مورد توجه زنان دربار واقع شد؛ از فعال‌ترین زنان در حوزه معماری این دوره می‌توان به نورجهان بیگم، همسر ایرانی تبار جهانگیر، و جهان‌آرا، دختر محبوب شاه جهان، اشاره کرد. شواهد حاکی از آن است که مشارکت زنان در فعالیت‌های معماری فقط مختص زنان درباری نبود، بلکه دایه‌ها و زنانی از طبقه متوسط جامعه هم نقش فعالی در معماری داشتند. علت این امر را شاید بتوان در تساهل و تسامح مردان نسبت به زنان و آزادی آن‌ها و نیز علاقه شخصی‌شان به ساخت و ساز تبیین کرد. مسئله‌ای که می‌تواند موضوع پژوهشی دقیق‌تر در این زمینه باشد.

### منابع

- اتینگهاوزن، ریچارد، هنر در جهان اسلام، ترجمه مهرداد وحدتی‌دانشمند، بصیرت، تهران، ۱۳۹۰.
- اصلح میرزا، تذکره شعرای کشمیر، تصحیح و تحشیه سید حسام‌الدین راشدی، اقبال آکادمی پاکستان، لاهور، ۱۳۴۶.
- بختاورخان، محمد، مرآة العالم؛ تاریخ اورنگ‌زیب، به تصحیح و مقدمه ساجده س. علوی، دانشگاه پنجاب، لاهور، ۱۹۷۹.
- بداؤنی، عبدالقادر بن ملوکشاه، منتخب التواریخ، به تصحیح احمد علی صاحب، با مقدمه و اضافات

- توفیق سبحانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰.
- بل، توماس ویلیام، مفتاح التواریخ، نول کشور، کانپور، ۱۸۶۷ م.
- بهرامپور، منوچهر، معماری در عصر گورکانیان هند، فهرست، تهران، ۱۳۸۵.
- بهکری، فرید، ذخیره الخوانین، به تصحیح سید معین الحق، انجمن تاریخی پاکستان، کراچی، ۱۹۶۱.
- جهانگیر گورکانی، نورالدین محمد، جهانگیرنامه، به کوشش محمد هاشم، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۹.
- حاج‌سیدجواد، سید کمال، میراث جاودان، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، اسلام‌آباد، ۱۳۷۰.
- حسنی، عبدالحی، نزهة الخواطر و بهجة المسامع و النواظر، به کوشش محمد عبد العمیدخان، دایرة المعارف العثمانیة، حیدرآباد دکن، ۱۹۶۲.
- خافی‌خان نظام‌الملکی، محمد هاشم، منتخب اللباب، به تصحیح مولوی کبیرالدین احمد و غلام قادر، کالج پریس، کلکته، ۱۸۶۹.
- خواجه کامگار حسینی، مآثر جهانگیری، تصحیح و مقدمه و تعلیقات عدرا علوی، علیگره، ۱۹۷۸.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷.
- راجپوت، الله‌بخش، «سهم شاهزاده خانم‌های مغول در معماری شبه‌قاره»، هلال، ش ۸۳، مهر ۱۳۴۷.
- رادفر، ابوالقاسم، زنان عارف، مدحت، تهران، ۱۳۸۵.
- رضایی‌مزیانی، امیرحسین، تاریخ هنر و معماری اسلامی دوره مغولان هند (گورکانیان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۸۱.
- سبحانی، توفیق، نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند، شورای گسترش زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۷۷.
- سنگین‌بیگ، سیر المنازل، ترتیب شریف حسین قاسمی، غالب انستی تیوت، دهلی، ۱۹۸۲.
- سیف‌آزاد، عبدالرحمن، دموکراسی و آزادی در هند، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۹.
- شریفی‌نژاد، ثریا، ویژگی‌های تاریخی، معماری و باستان‌شناختی باغ‌های ایران در عصر صفوی و مقایسه تطبیقی آن‌ها با باغ‌های گورکانیان هند، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده هنر و معماری، ۱۳۹۳.
- شیمیل، آنهماری، در قلمروی خانان مغول، ترجمه فرامرز نجدسمعی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۶.
- ظهورالدین احمد، تاریخ ادب فارسی در پاکستان (از زمان جهانگیر تا زمان اورنگ‌زیب)، ترجمه و تدوین شاهد چوهدری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۶.
- عبدالحمید لاهوری، بادشاهنامه، به تصحیح کبیرالدین احمد و عبدالرحیم، کالج پریس، کلکته، ۱۸۶۸.
- عنایت‌خان، محمدطاهر، ملخص شاهجهان‌نامه، مقدمه و تصحیح جمیل الرحمن، رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو، ۱۳۸۸.
- غلام حسن کوهیهایمی، تاریخ حسن یا اسرار الاخیار، بی‌نا، سری‌نگر، ۱۹۵۴.

کارگر، عبدالله، شهنشاہ سخنور، الازھر، پیشاور، ۱۳۸۳.  
 کخ، ابا، معماری هند در دورهٔ گورکانیان، ترجمهٔ حسین سلطان‌زاده، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳.

مستعدخان، محمد ساقی، مآثر عالمگیری، به کوشش احمد علی، بی‌نا، کلکته، ۱۸۷۰.  
 معمر، زهرا، «شبه‌قاره»، دانشنامهٔ زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره، ج ۴، زیر نظر محمدرضا نصیری، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۹۵.  
 ملک‌الکتاب شیرازی، محمد، تذکرهٔ الخواتین، بی‌نا، بمبئی، ۱۳۰۶.

Asher, Catherine blanshard, *Architecture of Mughal India*, Cambridge, 1992.

Dadvar, Abolghasem, *Iranians In Mughal politics and society (1606-1658)*, New Dehli: Gyan publishing house, 2000.

Fairchild, Ruggles, *Islamic Garden and landscapes*, Philadephia: published by university of pennsylvania, 2011.

HKan Bahadur, Syad Muhammad latif, *Agra historical and descriptive Akbar and his court and of the modern city of Agra*, New yourk: publisher Calcutta central press company, 1896.

K. Jayyasi, Salma, *The city in the Islamic World*, BRILL, LEIDEN. BOSTON. 2008.

Misra, Rehka, *Women in Mughal India (1526-1748)*, Dehli: published Allahabad, 1967.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعاتو د مرکز  
پرتال جامع علوم انسانیت